

۱۶۷۵۹

کتابخانه مسجد اعظم	مجله
	تاریخ نشر
	شماره
	شماره مسلسل
م	محل نشر
فارسی	زبان
سیدحاشم حسینی	نویسنده
۲۱ - ۱۷	تعداد صفحات
ارتباط عقل و دین - ۱۳ (توحید در تمام ارباب)	موضوع
قرآن و عقیده تنلیب	بیرفصلها
	کیفیت
	ملاحظات



۱۶۷۵۹

## قرآن و عقیده تثلیث

✽ توحید در تمام ادیان

✽ بطلان تثلیث در قرآن

✽ ریشه این عقیده

\* \* \*

✽ توحید در تمام ادیان

قرآن مجید که سر لوحه دعوتش توحید است؛ با هر گونه شرک و پرستش غیر-  
 خدامبارزه نموده و برای اثبات توحید، و بطلان شرک استدلالات عقلی نموده است  
 این کتاب آسمانی نه تنها توحید را نخستین درس معارف اسلامی  
 دانسته بلکه دعوت همه پیغمبران را بر اساس توحید معرفی نموده  
 و بر نامه همه ادیان را دور از هر گونه شرک و پرستش غیر خدا میداند و می فرماید:  
 و اگر در آسمان و زمین بجز خدای یکتا خدایان دیگری می بود هر آینه  
 در آنها فساد پدید می آمد (و جهان آفرینش در اثر اراده خدایان متعدد نظم خود  
 را از دست میداد و از بین می رفت، و اینکه جهان منظم است دلیل بر این است که  
 در آن جز خدای یکتا خدائی نیست) پس منزله است خداوند از آنچه مشرکان  
 توصیف میکنند \*... آیا بجای خدای یکتا خدایانی گرفتند، بگو برهان خود را  
 (ای مشرکین بر وجود خدایان متعدد) بیاورید، این ندای توحید (بر پایه  
 برهان) بر نامه پیر و ان من و همه چنین دعوت کسانی است که پیش از من  
 بودند آری بیشتر این مردم حق را نمیدانند پس از آن روی میگردانند \* و ما هیچ  
 پیغمبری را نفرستادیم مگر آنکه با و وحی کردیم که بجز من خدائی  
 نیست پس مرا بپرستید و بس \* و گفتند مشرکان خدا فرزند گرفته است، خدا منزله

است (از این نسبت) بلکه آنها را که مانند فرشتگان و وزیر و مسیح فرزند خدا پنداشتند) پندگاران مقرب خدا هستند که هرگز در گفتار بر خدا بیعت نگرفته ، و آنها بقرمان او عمل می نمایند ، (انبیاء : ۲۲-۲۷) .

بطوریکه ملاحظه میفرمائید قرآن مجید در این آیات از برهان نظم در آفرینش بر اثبات توحید و ابطال شرک استدلال نموده و رسالت همه انبیاء را بر پایه توحید معرفی کرده است - بنابراین از نظر قرآن هر گونه شرک و تثلیث یا غیر تثلیث ، از منطبق پیغمبران دور بوده و ساحت مقدس پیغمبران الهی از این نسبتهای شرک آمیز منزله و میراست .

### بطلان تثلیث در قرآن

قرآن مجید ، درباره تثلیث نصاری و بطلان آن نیز با بیانه های گوناگون دلائلی ایراد نموده ، و مخصوصاً پیروان عهدین را مخاطب ساخته ، و فرموده است :

دای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و درباره خدا سخنی جز حق نگوئید حضرت مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه اوست که بمریم القاء نموده و روحی است از (جانب) او پس بخدا و همه فرستادگانش ایمان آورید و نگوئید خدا سه تا است (از این تثلیث) ، باز ایستید برای شما بهتر است ، جز خدای یکتا خدائی نیست و خدا منزله است که او را فرزندی باشد (زیرا خدا جسم نیست تا از او فرزند متولد شود ، و مثل و مانند ندارد تا خدائی مثل او تصور شود) زیرا هر چه در آسمان و زمین است ملک خدا است و او برای سرپرستی موجودات کافی است (و چنین خدائی از گرفتن شریک بی نیاز است) هرگز مسیح از بندگی خدا استنکاف ندارد (زیرا بندگی مالک آسمان و زمین و آفریننده همه موجودات بالا ترین کمال انسان است) و هر کس از بندگی خدا سرپیچی کند ، بزودی خدا همه آنها را بسوی خود محشور سازد و سرکشان را کیفر دهد ، (نساء : ۱۷۱ - ۱۷۲) .

و تحقیقاً آنانی که گفتند مسیح پسر مریم خداست کافر شدند با آنکه خود مسیح به یمنی اسرائیل گفت بپرستید خدائی را که خدای من و شماست ، و محققاً هر کس با او شرک ورزد خدا بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش آتش باشد ،

و برای ستمکاران یاری نیست \* مسلماً کسانی که سه خدا قائل شده و گفتند خداوند سومی سه خدا است کافر شدند، در صورتیکه جز خدای یگانه خدائی نخواهد بود، و اگر باز نایستند از آنچه میگویند، میرسد بآنهایی که کافر شدند عذابی دردناک \* آیا باز گشت نمی کنند بسوی خدا (از این سخن ناروا و آیا) از او آمرزش (گناه خود را) نمی طلبند با اینکه خدا بخشنده و مهربانست \* نیست مسیح پسر مریم مگر فرستاده خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی آمده و مادرش هم زنی راست کردار بود، و هر دو (مانند سایر مردم) غذاهای خورده‌اند (و کسیکه مانند همه افراد بشر احتیاج بنفذا داشته باشد چگونه خدائی است؟) بین چگونگی آیات خود را روشن بیان میکنیم، آنکاه بین آنها از حق به کجا گردانیده میشوند \* بگو آیا شما غیر خدا کسی را میپرستید که وجودش هیچ سود و دوزیانی برای شما ندارد با اینکه خدا است شنوا (که اگر او را بخوانید می شنود) و دانا (بسود و زیان شما) \* بگو ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید، و پیر وی نکنید از هوانهای قومیکه از پیش گمراه شدند و بسیاری را نیز گمراه نمودند و از راه راست دور افتادند. (مائده: ۷۲-۷۷)

«محققاً کافر شدند آنانکه گفتند مسیح پسر مریم، خداست، بگو: (ای پیغمبر) اگر خدا بخواهد عیسی و مادرش مریم، و هر که را در روی زمین است هلاک گردانند چه کسی می تواند جلو او را بگیرد؟ (و اگر عیسی خداست چرا قادر به حفظ جان خود نیست؟) در صورتیکه خدا مالک (و اختیار دار) آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست می باشد، هر چه را بخواهد می آفریند، و بر هر چیزی تواناست، (مائده: ۱۷)

«و یهود گفتند عزیز پسر خدا و نصاری گفتند مسیح پسر خداست، این سخن آنهاست از دماغان در صورتیکه آنان شبیه می سازند (سخن خود را) بسخن کسانی که از پیش کافر شدند خدا آنها را بکشد، چگونه از حق گردانیده میشوند! \* علماء و راهبان خود را خدا شمرده و همچنین مسیح پسر مریم را، و حال آنکه جز آنکه خدای یگانه را پرستند ما مور نبودند نیست خدائی جز او منزه است از آنچه شریک او می سازند، (توبه: ۲۹، ۳۰)

«آفرینش عیسی بدون پدر در نزد خدا مانند آدم است که بدون پدر و مادر او

بر از خاك آفریده، (آل عمران ۵۲) .

در این آیات عیسی بنده و فرستاده خدا، و مادرش زنی پاکدامن معرفی شده و بر بطلان عقیده نصاری بر تثلیث چندین استدلال شده که خلاصه آن این است :

۱- فقط خدا صاحب اختیار و سرپرست و مالک جهان آفرینش است بنابراین غیر او صاحب قدرتی نیست تا خداخوانده شود.

۲- خداوند منزله است که فرزند نداشته باشد زیرا جسم نیست که از راه توالد و تناسل فرزندی باقی بگذارد

۳- عیسی (ع) بشری است مانند سایر مردم که از مادر متولد گردیده ، و مانند آنها برای ادامه زندگی نیازمند بنذا است ، و اگر خدا بخواهد او و مادرش را فانی سازد عیسی و غیر او قادر بر جلوگیری از اراده خلل ناپذیر الهی نیستند و مسلماً چنین بشری با تمام فضائل انسانی که دارد خدا نمی تواند باشد و آفرینش شکفت انگیز او بدون پدر نباید او را از مرز بشری خارج سازد ، زیرا آفرینش آدم بدون پدر و مادر شکفت انگیز تر است ، با اینکه او را بشردانسته و خدائی خوانید و همچنین پیش از او پیامبرانی دارای کمالات انسانی و معجزات و خوارق عادات آمده اند که آنها را نیز خدائی دانید .

بنابراین اعتقاد بپدائی عیسی (ع) غلط در باره اوست که کفر میباشد ، و این غلو انحرافی است از دین حقیقی عیسی (ع) زیرا خود عیسی (ع) از بندگی خدا استنکاف نداشته و بنی اسرائیل را نیز فقط بعبادت خدای یکتا دعوت نموده است .

ریشه این عقیده

قرآن مجید تنها به بطلان تثلیث اکتفا نکرده ، بلکه در بعضی از آیات هم آنطور که ملاحظه شد می فرماید : که این تثلیث نصاری ، از مشرکین پیشین گرفته شده ، و این بیان اشاره بیک حقیقت تاریخی است که با توجه بان ریشه این عقاید غیر معقول بدست می آید ، و آن حقیقت تاریخی این است که :

پیش از ظهور مسیحیت ، در باره ای از نقاط دنیا مانند هند و چین و کلد و آشور عقیده بت پرستی به همین شکل که در مسیحیت مشاهده می شود موجود بوده مخصوصاً عقاید بودائیان در هند (در باره تثلیث و فدا و داپ او پخته شدن یکی از خدایان برای نجات گناهکاران) کاملاً با عقاید

نصاری شباهت دارد .

بودائیان نیز میگویند: جهان دارای سه خدا است و از این تثلیث در لغت خود به (تری مورتی) تعبیر میکنند که تری به معنای سه و مورتی به معنای اقا نیم است و این اقا نیم تله به (برهما)؛ (فشنو)؛ و (سیفا) نامیده شده و بعضی بجای (سیفا) (کرشنا) گفته اند، و هر سه را متحد میدانند یعنی هر سه خدا يك خدا می باشند و نیز میگویند کرشنا برای نجات گناهکاران خود را فدا ساخته و بدار آویخته شده است . (۱)

با توجه به عقیده مسیحی ها در باره تثلیث و فداکاری عیسی ، و تطبیق آن با این عقاید بودائیان ، بخوبی روشن میگردد ، که میان این دو عقیده فرقی نبوده جز تعبیر دادن نامهای (برهما) و (فشنو) (سیفا) به نامهای (خدا)؛ (عیسی) (روح القدس) و نیز روشن می شود، این عقاید غیر معقول پیش از مسیحیت نیز وجود داشته و نویسندگان انجیل آنها را در انجیل خود نوشته ، و تثلیث را در مسیحیت پی ریزی کرده اند .

اینک ما خردمندان را بمقایسه میان توحید قرآن و تثلیث مسیحیت میخوانیم ؛ تا با میزان خرد آنها را سنجیده و گفتار حق را پس از تشخیص صحیح، دور از هر گونه تعصب و تقلید بپذیرند .

(۱) برای توضیح بیشتر بکتاب «العقائد الوثنية فی الديانة النصرانية» د

تفسیر المیزان جزء ثالث، مراجعه شود.

### چه مکنی که خود افندی

لا تفتب فتغتب، ولا تحفر لاختيك حفرة فتقع فيها؛  
فانك كما تدین تدان .

بد گوئی و غیبت (دگران را) مکن که تو را غیبت کنند و بد گویند ؛ و چاهی بر سر راهی مکن که خود در آن افندی ؛ زیرا هر گونه رفتار نمائی همانگونه پاد اثر داده میشود .

(امام صادق علیه السلام)